



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری  
دوره ۱۲ / شماره ۲ (پیاپی ۴۶) / تابستان ۱۴۰۲  
صفحه ۶۵۷ تا ۶۸۲

## نگرشی نوین به زوایای مالی و مدیریتی چالش‌های خصوصی‌سازی در ایران با به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد (گراند تئوری)

مهدی پناهی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
Mehdi.panahi1359@gmail.com

علی اسماعیل‌زاده مقری

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
Alies35091@gmail.com

فرزانه حیدرپور

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
fheidarpoor@yahoo.com

امیررضا کیقبادی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
a.keyghobadi@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

### چکیده

خصوصی‌سازی، موضوعی است که بنا بر میزان اهمیت و عدم اجرای درست آن در کشور، دغدغه بسیاری از مسئولین و پژوهشگران است و مطالعه در ابعاد گوناگون آن از جمله مولفه‌های مالی و مدیریتی، می‌تواند زوایای دیگری از آن را روشن سازد. هدف تحقیق حاضر مدل‌سازی نقش مقوله‌های مالی و مدیریتی به روش برخاسته از داده‌ها (داده‌بنیاد) - یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی - در خصوص‌سازی است. این پژوهش با مطالعه عمیق منابع و مقالات موجود در زمینه خصوص‌سازی و انجام مصاحبه با خبرگان انجام شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نقش عوامل مدیریتی در سطح کلان و مولفه‌های مالی در خصوص‌سازی بسیار اساسی است. بر اساس پژوهش به عمل آمده عوامل علی مالی و مدیریتی اصلی اثرگذار در اجرای خصوص‌سازی عبارتند از: ۱. مولفه‌های مدیریتی شامل ضعف ساختار دولت، عوامل محیطی اثرگذار، کارشکنی و فساد در اجرا و عملکرد و ویژگی‌های اشخاص و ۲. مولفه‌های مالی و حسابداری شامل مسایل درون و برون‌سازمانی شرکت‌های دولتی، مشکلات موجود در محاسبات و برآوردها، عوامل انگیزشی و مقررات و استانداردهای موجود. شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها نیز بصورت مدلی یکپارچه ارائه شد و در نهایت مدل به دست آمده با استفاده از روش دلفی مورد تایید قرار گرفت. **واژه‌های کلیدی:** خصوص‌سازی، اصل ۴۴ قانون اساسی، داده‌بنیاد، گراند تئوری.

## ۱- مقدمه

در دو دهه گذشته خصوصی‌سازی به‌عنوان یک سیاست مهم اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی مطلوب، کاهش هزینه‌های گزاف تولید و رهایی از عملکرد ناکارای شرکت‌های دولتی مورد پذیرش کشورهای مختلف از جمله ایران (از سال ۱۳۶۸) بوده است؛ لیکن این امر از سال ۱۳۷۹ با تشکیل سازمان خصوصی‌سازی و پیش‌بینی احکام مربوط در قوانین برنامه سوم و چهارم و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و تصویب قانون سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی بصورت جدی مورد توجه قرار گرفت. در حالیکه نتایج تحقیقات نشان می‌دهد با اطمینان زیادی می‌توان بیان نمود که تغییرات قابل توجهی در عملکرد مالی شرکت‌های واگذار شده رخ نداده و خصوصی‌سازی به لحاظ بهبود شاخص‌های مالی موفق نبوده است. (آذر و همکاران، ۱۳۹۰)

بهبود عملکرد شرکت‌های خصوصی فقط با تغییر مالکیت قابل توجیه نیست. به عبارت دیگر، خصوصی‌سازی باید با تعدیلات اقتصادی دیگر مانند تعدیل بازار سرمایه و سیستم بانکی ملی و همچنین تدوین قوانین و مقررات شرکت همراه باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی تأثیر مثبتی در سودآوری بنگاه‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نداشته و اثر منفی بوده است. علاوه بر این، خصوصی‌سازی این شرکت‌ها تأثیری در اثربخشی و کارایی فروش آنها نداشته است. در عوض، بدهی‌ها و ریسک‌های این بنگاه‌ها افزایش یافته است. در عین حال، اصلاح مالکیت برای اصلاح اوضاع لازم است (علی‌پور، ۲۰۱۳).

از موارد حائز اهمیت، تفکیک حوزه‌های گوناگون وظایف و امور است که می‌تواند رویکردهای متفاوتی را در واگذاری امور به بخش خصوصی بطلبد؛ مثلاً سریونو در سال ۲۰۱۹، در نتیجه‌گیری پژوهش خود تحت عنوان خصوصی‌سازی مدیریت منابع آب بیان کرد که در هر صورت، با خصوصی‌سازی یا عدم خصوصی‌سازی، کنترل آب باید به دولت برگردانده شود و آب برای بیشترین رفاه استفاده شود. این مدیریت را می‌توان به شرکت‌های خصوصی تحویل داد ولی باید تشویق کرد تا آنها در بهبود عملکرد عملیاتی مؤثرتر باشند. جوامع محلی نیز باید در مورد مدیریت آب نه تنها نیازهای روزمره بلکه بهینه‌سازی را آموزش دهند و سازمان به جلو سرانجام، دولت باید احزاب زیادی را به ویژه در میان دانشکده‌ها و دانشگاهیان درگیر کند تا احزاب بیشتری نسبت به موضوعات مطرح شده نگران باشند (سریونو، ۲۰۱۹).

## مبانی نظری و مروری بر شواهد تجربی

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. خصوصی‌سازی، وسیله‌ای برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است، در صورتی که حداقل ۵۰٪ سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود (یعقوبی و همکاران، ۱۴۰۰).

به طور کلی باید گفت خصوصی‌سازی بخشی از سیاست اقتصادی جامع‌تری است که امروزه تحت عناوینی چون آزادسازی اقتصادی و یا پیوستن به اقتصاد جهانی از سوی برخی از دولت‌ها به شدت تعقیب می‌گردد نهادهای

بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز از مدافعان سرسخت این سیاست نوظهور محسوب می‌گردند (اسکندری و رزمجو، 1398).

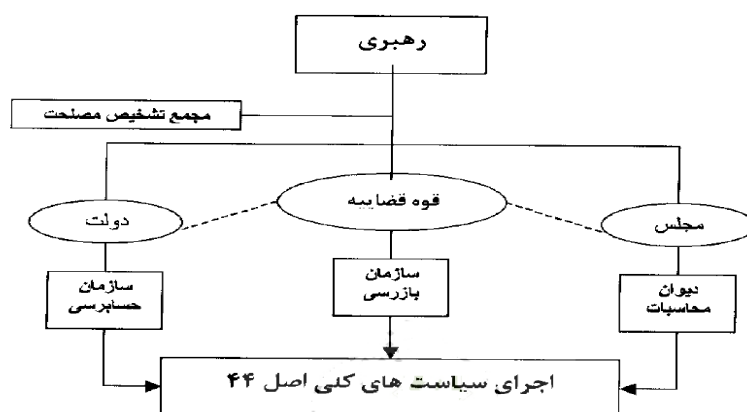
خصوصی‌سازی در اصطلاح گسترده شامل انتقال مالکیت و یا کنترل سازمان‌های دولتی به بخش‌های خصوصی می‌باشد که می‌تواند بصورت کامل یا جزئی اتفاق بیفتد و شامل بخشی از سهام شرکت است که به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی واگذار می‌شود و ممکن است منجر به انتقال مالکیت گردد و یا بر عکس مالکیت شرکت تغییری نکند. براساس نکات حاصل از بررسی تجربه کشورهای مختلف از جمله انگلستان، چک، شیلی، هند، مصر و... در امر خصوصی‌سازی می‌توان اظهار داشت که اجرای برنامه خصوصی‌سازی تنها در فضایی که زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و عملیاتی لازم و متناسب با آن فراهم باشد فرآیند موفقیت‌آمیزی است در غیر اینصورت قبل از اینکه مساله را حل کند مشکل خواهد آفرید. با توجه به ماهیت شاخص‌های مذکور که بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی و مالی تاکید دارند و با توجه به نتایج حاصل از تحقیق که با استفاده از شاخص‌های فوق بدست آمده است می‌توان دلایل عدم حصول نتایج مطلوب را در بطن بازار سرمایه و شرایط و بسترهای اقتصادی که واگذاری‌ها در آن اتفاق افتاده است کنکاش نمود. (امرای، 1387)

در دو دهه گذشته خصوصی‌سازی به‌عنوان یک سیاست مهم اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی مطلوب، کاهش هزینه‌های گزاف تولید و رهایی از عملکرد ناکارای شرکت‌های دولتی مورد پذیرش کشورهای مختلف از جمله ایران (از سال 1368) بوده است، لیکن این امر از سال 1379 با تشکیل سازمان خصوصی‌سازی و پیش‌بینی احکام مربوط در قوانین برنامه سوم و چهارم و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و تصویب قانون سیاست‌های اصل 44 قانون اساسی بصورت جدی مورد توجه قرار گرفت. (آذر و همکاران، 1388)

سیاست واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی و محدود کردن حوزه‌ی فعالیت دولت و بخش دولتی در دو دهه‌ی اخیر در جهان رواج بی‌سابقه‌ای یافته و امروزه کم و بیش در تمامی کشورهای جهان در ابعاد گسترده به مرحله‌ی اجرا در آمده است. (کیم و کیم، 2001)

انرایت (2020) طی مقاله‌ای نشان داد که به طور قطع نمی‌توان گفت هرچا خصوصی‌سازی انجام شده منجر به بهبود و اجرای عدالت اجتماعی می‌گردد. نتیجه تحقیق او چنین بود که سیاست ایالت ماساچوست در مورد خصوصی‌سازی بدهی‌های مالیاتی اشخاص خاطی، نتایج آسیب‌ناعادلانه‌ای برای آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه ایجاد می‌کند. سیاستی که در ابتدا برای بهره‌مندی از شهرها ایجاد شده است، در نهایت منجر به سوءاستفاده از فقراء، بیماران و سالمندان استفاده می‌شود. تأثیر منفی این سیاست بر جامعه غالباً نادیده گرفته می‌شود، در حالی که معایب آن از فوایدی که شهرداری‌ها بر آن اساس ادعای حمایت از آن را دارند، بیشتر است. مالکیت خانه و ثبات در خانه یک بخش اساسی از زندگی یک شخص است، و این سیاست ناعادلانه، ناعادلانه و غیرقابل کنترل است. اگرچه پرداخت سهم مالیات بر املاک برای همه مهم است، اما این سیاست سختگیرانه راه حل مناسبی نیست و قوه مقننه باید برای تغییر اقدام کند. (انرایت، 2020)

با نگاهی به عملکرد چند ساله گذشته خصوصی سازی در کشور می توان دریافت که روند مورد انتظار و مثبتی از اجرای این سیاست بدست نیامده است. این در حالی است که نسبت بودجه عمومی و بودجه کل کشور به محصول ناخالص داخلی افزایش چشمگیری یافته است. اجرای خصوصی سازی نیازمند سیستم نظارتی قوی است که ساختار این سیستم را می توان در شکل ۱ مشاهده کرد: (قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷)



شکل ۱- نمودار سیستم نظارتی جهت اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی

با شکست‌های جدی دولت در امر خصوصی سازی طی دو برنامه اول و دوم توسعه کشور به علت عدم ثبات سیاسی - اقتصادی، رقابت دولت با بخش خصوصی و ساز و کارهای سیاسی گروه‌های موثر بر اقتصاد کشور، هیچ گاه مالکیت خصوصی آن هم از نوع امن و پایدار به وجود نیامده است و همواره در ایران پروژه‌های خصوصی را به شکست جدی کشیده شده است. (رفیعی، ۱۳۷۴)

سروری و چان در سال ۲۰۲۰ پژوهشی انجام دادند که نتایج آن نشان داد که بزرگترین مانع خصوصی سازی ضعف شرکت‌های بیمه در کنترل ریسک‌های سرمایه‌گذاری است و دومین مانع بزرگ ضعف فرهنگ سرمایه‌داری کشور است و با سیاست‌های شفاف در قیمت‌گذاری و افزایش تعامل بین بخش‌های دولتی و خصوصی، می توان این موانع را از بین برد. (سروری و چان، ۲۰۲۰)

کارونی در سال ۲۰۲۰ طی مقاله‌ای چنین عنوان کرد که خصوصی سازی خدمات عمومی، شهروندان را تبدیل به کالاهایی درآمدزا می کند و ساختارهای جدید برون سپاری، ممکن است منجر به بهترین منافع عمومی نگردد. (کارونی، ۲۰۲۰).

استرین و پلتیر در تحقیقی در سال ۲۰۱۸ بیان نمودند که خصوصی سازی مستلزم انتقال دارایی‌های تولیدی از دولت به بخش خصوصی است که چنین نقل و انتقالاتی، ماهیتاً، به لحاظ سیاسی حساس هستند و در معرض فساد و سوء استفاده احتمالی قرار دارند. با این فرض که هدف اصلی خصوصی سازی، تقویت رشد اقتصادی است، سیاست گذاران باید از نظر فضای کسب و کار برای رقابت، حاکمیت و ورود، پیش شرط‌های موفقیت را بررسی

و تعیین کنند. شواهد نشان می‌دهد که خصوصی سازی در محیط های تجاری قوی تر، مزایای بیشتری در عملکرد شرکت دارد زیرا موفقیت این فرایند متکی بر حاکمیت شرکتی موثر شرکت های خصوصی واگذار شده و همچنین رقابت موثر بازار است (استرین و پلتیر، ۲۰۱۸).

اسمعیل‌زاده مقری و همکاران در سال ۱۴۰۰ طی مقاله‌ای که با روش متاسنتز انجام شد موانع مدیریتی و مالی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را در مورد خصوصی‌سازی به شرح ذیل ارائه نمودند:

جدول ۱. طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد عوامل مربوط به عملکرد دولت

مؤلفه	تم	کد
عوامل مدیریتی	۱. ضعف ساختار دولت	۱. ضعف زیرساخت اجرایی لازم ۲. ساز و کارهای ناکارآمد آماری و اطلاع رسانی ۳. عدم تفکیک وظایف ۴. عدم انسجام و هماهنگی در دولت ۵. نحوه واگذاری سهام ۶. مشکلات مربوط به سهام عدالت
	۲. عوامل محیطی اثرگذار	۱. نبود ثبات مدیریت ۲. عدم تمایل دولت برای واگذاری به سرمایه گذار خارجی
	۳. کارشکنی و فساد در اجرا	۱. پاسخگو نبودن دولت در مقابل قانون ۲. رقابت دولت با بخش خصوصی ۳. نبود اراده ی لازم دولت ۴. پنهان کاری و نبود شفافیت ۵. مقاومت مدیران دولتی
	۴. عملکرد اشخاص	۱. ضعف مهارت های مدیریتی ۲. عدم اجرای دقیق خط مشی ها ۳. کم توجهی به بخش تعاون ۴. علمی نبودن تصمیمات دولتی

جدول ۲. طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد عوامل به مسائل مالی و حسابداری

مؤلفه	تم	کد
عوامل مربوط به شرکت‌ها	۱. مسائل درون سازمانی	۱. عدم برخورداری شرکت ها از ساختار مالی مناسب ۲. نیاز به اصلاح صورت های مالی

<p>۱. عدم دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف                  ۲. عدم تقارن اطلاعات                  ۳. بهای تمام شده ی غیررقابتی</p>	<p>۲. مسائل برون‌سازمانی                  شرکت‌ها</p>	<p>مسائل مالی                  و                  حسابداری</p>
<p>۱. عدم حاکمیت منطق (هزینه- فایده)                  ۲. مشکل قیمت گذاری سهام واحدها                  ۳. تجدید ارزیابی پیچیده                  ۴. مشکل قیمت گذاری دارایی‌ها                  ۵. پیچیدگی های بسیار بالای فرآیندهای اجرایی و حسابداری                  ۶. عدم توانایی در شناسایی هزینه های غیرمستقیم                  ۷. مشکلات ارزیابی هزینه - منفعت خصوصی سازی</p>	<p>۳. مشکلات مربوط به محاسبات و برآوردها</p>	

مهربان‌فر در سال ۱۳۹۵ پژوهشی با عنوان آسیب شناسی خط مشی گذاری دولت در عرصه ی خصوصی سازی بر مبنای نظریه ی داده بنیاد انجام داد و طی آن موانع خصوصی را در ایران به چهار دسته عوامل سیاسی-اجرایی، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی تقسیم کرد. کدهای یافت شده توسط ایشان به شرح زیر است: (مهربان فر، ۱۳۹۵)

الف) عوامل سیاسی-اجرایی:

شفافیت پایین واگذاری در روند اجرا، تغییر دولت‌ها و تغییر سیاست‌ها، ضعف اجرای قوانین، واگذاری بخش‌های دولتی به شبه دولتی، ترجیح ملاحظات سیاسی بر ملاحظات فنی و نتیجه‌گرایی، تعدد سازمان‌های درگیر و نبود استقلال سیاسی

ب) عوامل فرهنگی:

ترس مدیران از تغییر، نبود عزم ملی، پیچیدگی مسوولیت کارکنان و مسوولان، تورم مقرراتی در نشان دادن قانونمدی واگذاری‌ها، عدم تعریف جامعه صحیح به خصوص در مورد سهام عدالت

ج) عوامل اقتصادی:

ذات دولتی اقتصاد، قیمت‌گذاری غیر واقعی، احساس ترس از تعدیل نیروی کار، تسلط جویی مدیران، افزایش تورم

د) عوامل اجتماعی:

هرج و مرج، سرمایه اجتماعی پایین در جامعه، آمارسازی مجربان، انتظارات خوشبینانه غیرواقعی امیری و همکاران (۱۳۹۲) در گزارش خود شرحی از موانع خصوصی سازی را به شرح زیر ارائه دادند:  
 عدم حاکمیت منطق هزینه - فایده، عدم بررسی روش‌های موجود خصوصی سازی به منظور انتخاب مؤثرترین روش برای واگذاری باشگاه‌ها، محدودیت‌های محیط قانونگذاری و نظارتی؛ فقدان برنامه‌ریزی کلان، عدم تعریف مشخص

از بخش خصوصی و غیردولتی؛ عملکرد ضعیف سازمان‌ها، آماده نبودن زیرساخت‌های لازم، عدم شفافیت در قراردادهای و مشخص نبودن حقوق مالکیت در آن، عدم کارایی و نقص در سیستم بازار و نبود بخش خصوصی کارآمد؛ باورها و ارزش‌های ایدئولوژیک و سیاسی خاص در نظام اقتصادی کشور، عدم خلاقیت و کارآفرینی و آمادگی بخش خصوصی برای پذیرش خطر و دانش و آگاهی ادارهٔ تشکیلات وسیع، فقدان حجم پس‌انداز قابل توجه در سرمایه‌داران داخلی، عدم توجه بخش خصوصی به مسئله‌ی بیکاری در حالی که اشتغال‌زایی در کشورهای در حال توسعه یک ضرورت است، استفاده‌ی دولت‌ها از شرکت‌ها و مؤسسات دولتی علاوه بر سیاست‌گذاری‌ها، به‌عنوان یک وسیله‌ی نهادی مهم و درخور توجه در توسعه و سیاست عمومی، تصمیم‌گیری بخش خصوصی براساس قیمت‌های بازاری و عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه (تولید کالاهای لوکس سودآورتر به جای تولید کالاهای ضروری)، بی‌ثباتی و نامطمئن‌ی اقتصاد ملی، ابهام سیاسی در مورد خصوصی‌سازی، مخالفت گروه‌های ذینفعی که از کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی سود می‌برند، بازارهای مالی ضعیف، تأخیرها و پیچیدگی‌های بوروکراتیک، ضعف مهارت‌های مدیریتی در اقتصاد بازار، قوانین نامطمئن و ناقص مالکیت، قوانین محدودکننده و مالیات‌های سنگین، انزجار عمومی نسبت به کارآفرینان خصوصی، وجود اهداف مبهم، چندگانه و متضاد، فقدان انگیزه در سطوح مدیریتی، تصمیم‌گیری بیش از حد متمرکز، مقاومت کارکنان و مدیران بخش‌های دولتی در قبال خصوصی‌سازی، اجتناب سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی از درگیری در برنامه‌های خصوصی‌سازی و عدم تمایل رهبران سیاسی نسبت به برنامه‌های خصوصی‌سازی.

همتی و همکاران (۱۳۹۰) بر اساس تحقیقی که با استفاده از منطق فازی انجام دادند، چهار عامل سیاسی، اقتصادی، اجرایی-اداری و حقوقی را با درجه اهمیت نخست سیاسی، موانع اصلی خصوصی‌سازی معرفی کردند. دانش جعفری و برقی اسکویی (۱۳۸۸) به بررسی اثر واگذاری مالکیت دولتی به بخش خصوصی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل سطح تولید، سطح اشتغال، نرخ تورم، حجم تجارت و صادرات غیر نفتی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ افزایش سلامت تولید، اشتغال، حجم تجارت و صادرات غیر نفتی و کاهش نرخ تورم را در پی دارد، به بیان دیگر واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی منجر به بهبود متغیرهای کلان اقتصادی شده است. نصیری (۱۳۸۲) بیان کرد که واگذاری سهام شرکت‌ها به بخش خصوصی، عملاً نوعی مشارکت بین بخش خصوصی و دولت و نهادهای عمومی به وجود آورده است و از این راه شرکت‌ها و موسساتی به وجود آورده است که واقعا دولتی است ولی عملاً از نظارت دولت خارج است.

### روش شناسی پژوهش

در این پژوهش ابتدا به روش داده‌بنیاد، طی انجام مصاحبه‌های تخصصی با نخبگان، مولفه‌های مدیریتی و مالی تاثیرگذار بر خصوصی‌سازی شناسایی شد و مدلی یکپارچه از آن تهیه گردید و سپس کیفیت مدل به دست آمده، به روش دلفی مورد ارزیابی واقع شد. لازم به ذکر است پیش از اجرای روش داده‌بنیاد، مطالعات گسترده‌ی کتابخانه‌ای در خصوص چالش‌ها و موانع خصوصی‌سازی در ایران صورت گرفت که محقق را با داشتن درکی مناسب از موضوع، در جهت‌دهی فرآیند مصاحبه با افراد، یاری نمود.

نظریه داده‌بنیاد<sup>۱</sup> (گراند تئوری)

در این پژوهش از روش تئوری داده بنیاد برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. این پژوهش از بعد هدف از نوع تحقیقات اکتشافی شمرده می‌شود و از بعد استراتژی در دسته تحقیقات غیرآزمایشی، میدانی و کیفی قرار می‌گیرد. این روش پژوهش که با نام گراند تئوری<sup>۲</sup> شناخته می‌شود، ترجمه‌های مختلفی دارد، از جمله نظریه زمینه‌ای، نظریه بنیادی، نظریه پردازی داده بنیاد، نظریه مبتنی بر داده‌ها و نظریه برخاسته از داده‌ها. روش داده بنیاد روش استقرایی برای نظریه پردازی و نظریه گسترده است که نظریه تدوین شده برخاسته از داده‌هایی است که به شکل نظام‌مند و همزمان گردآوری و تحلیل می‌شوند (گلیزر و استراوس، ۱۹۶۷ و استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). منظور از استقرایی بودن نظریه داده بنیاد این است که در این روش به آزمودن فرضیه پرداخته نمی‌شود، بلکه نظریه تدوین شده در نتیجه گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها روییده و زاییده می‌شود (گولدینگ، ۲۰۰۲ و نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۰).

این تحقیق، در ادامه‌ی تحقیق انجام شده با روش متاسنتر اسمعیل‌زاده و همکاران، برای شناسایی مولفه‌های تازه و تکمیلی و ساخت مدل، ابزار مصاحبه عمیق با مدیران، کارشناسان و اساتید دانشگاه به کار گرفته شد. روش نمونه‌گیری بر مبنای نمونه‌گیری نظری (روش گلوله برفی) است که در آن نمونه‌هایی انتخاب می‌شوند که بیشترین قدرت تبیین و استدلال را فراهم می‌آورند و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش به اشباع نظری برسد. بنابراین از میان گروه‌های نمونه عنوان شده نمونه‌گیری به نحوی صورت می‌پذیرد که پژوهش به اشباع برسد. این پژوهش با مصاحبه از ۱۴ نفر به شرح زیر به اشباع رسید.

جدول ۳. ترکیب مصاحبه شونده‌گان

سمت/موقعیت شغلی	تعداد	تحصیلات			سابقه کاری	
		کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	کمتر از ۱۵ سال	۱۵-۳۰ سال
اساتید دانشگاه	۶			۶	۲	۴
مدیران عامل شرکت‌ها	۵	۴	۱		۲	۳
مدیران مالی سابق شرکت‌های دولتی واگذار شده	۳	۱	۲			۲
جمع	۱۴	۵	۳	۶	۴	۹

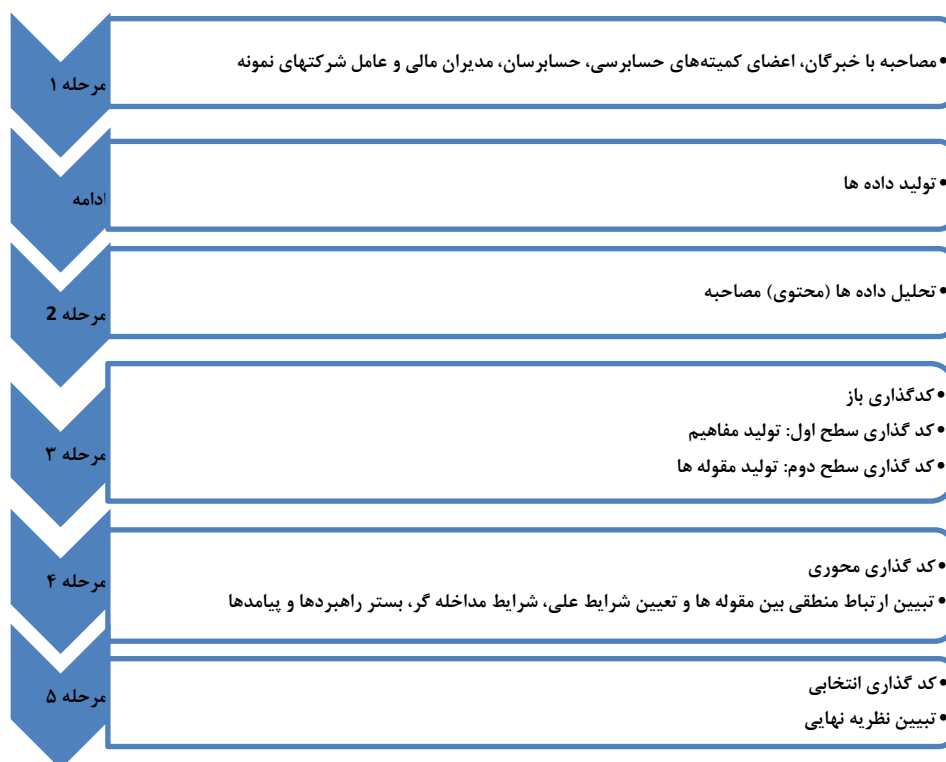
۱ . Granded Theory

۲ . Grounded theory



## یافته‌های پژوهش

گام‌های برداشته شده در انجام این تحقیق در شکل شماره ۲ درج شده است:



شکل ۲. گام‌های تحقیق

## کدگذاری باز

عبارت است از روند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها. روش کدگذاری باز، نه تنها به کشف مقوله‌ها می‌انجامد بلکه خصوصیات و ابعاد آن‌ها را نیز روشن می‌سازد. این کدگذاری متن بعد از خواندن مکرر و دقیق مواد آن انجام می‌شود. واحدهای معنادار معرفی، توضیح و نام‌گذاری می‌شوند. این واحدها ممکن است لغات، عبارت و یا قطعات بزرگ‌تر متن باشند. در فرایند پژوهش ممکن است که محقق به ده‌ها و حتی صدها برچسب مفهومی دست یابد. این مفاهیم باید طبقه‌بندی شوند. مفاهیم بر اساس مشابهت‌هایشان دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌گردند که به این کار مقوله‌پردازی می‌گویند. وقتی مفاهیم با یکدیگر مقایسه شده و به نظر برسند که به پدیده‌های مشابه مربوط‌اند، مقوله‌ها کشف می‌شوند و بدین ترتیب مفاهیم در نظمی بالاتر دسته‌بندی می‌شوند. مقوله مفهومی است که از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است، یعنی عنوانی که به مقوله‌ها اختصاص داده

می‌شود انتزاعی‌تر از مفاهیمی که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می‌دهند. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند زیرا می‌توانند مفاهیم و خرده مقولات را بر محور خود جمع کنند؛ بنابراین تحت این نوع کدگذاری مجموعه ای از مقولات مفهومی ایجاد و سپس مجموعه ای از این مفاهیم که دارای اشتراک بوده اند در سطح بالاتر طبقه بندی می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۱).

در این تحقیق با انجام ۱۴ مصاحبه اشباع نظری حاصل و در مجموع ۴۲ مفهوم استخراج شد. پس از این مرحله، کدگذاری سطح دوم برای تشکیل مقوله‌ها با معنای استفاده از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای اولیه برای غربال و حذف داده‌های زیادی، صورت گرفت که مستلزم مراجعه به متون عباراتی است که کدها از آن استخراج شده، سپس مقایسه کدها با یکدیگر و شناسایی کدهای مشابه و متداخل، تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم اولیه و دسته بندی مفاهیم مشابه با خاستگاه مشترک در قالب یک مقوله واحد است که این کار همواره منجر به دسته‌بندی انبوه داده‌های اولیه در مقوله‌هایی محدود و مشخص می‌شود که در سطحی بالاتر از مفاهیم فوق بوده، انتزاعی‌تر است و مفاهیم قبلی را پوشش می‌دهد. در مجموع ۴۲ مفهوم در ۸ مقوله و مقوله‌ها در ۲ مولفه دسته‌بندی شد. مقوله‌های به دست آمده به همراه مفاهیم تشکیل‌دهنده آن‌ها به شرح ذیل است:

جدول ۴. طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد مسائل مالی و حسابداری

مؤلفه	تم	کد
عوامل مربوط به مسائل مالی و حسابداری	۱) مسائل درون‌سازمانی شرکت - ها	۱) عدم برخورداری شرکت‌ها از ساختار مالی مناسب
		۲) نیاز به اصلاح صورت‌های مالی
		۳) ضعف دانش مالی مدیران و مجریان
		۴) عدم توسعه یافتگی و بلوغ حاکمیت شرکتی
		۵) عدم کفایت تخصص تهیه‌کنندگان اطلاعات
		۶) کیفیت پایین اطلاعات مالی شرکت‌ها
	۲) مسائل برون‌سازمانی شرکت‌ها	۱) عدم دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف
		۲) عدم تقارن اطلاعات
		۳) بهای تمام شده ی غیررقابتی
		۴) عدم توسعه سیستم اطلاعاتی در کشور
		۵) ضعف توجه به اطلاعات حسابداری در تصمیم‌گیری‌ها
		۶) نبود درک اهمیت حسابداری در توسعه اقتصادی
		۷) وجود دید وقایع‌نگاری نسبت به حسابداری
		۸) نبود هماهنگی بین اطلاعات تهیه‌شده با شرایط اقتصادی

مؤلفه	تم	کد
۳) مشکلات مربوط به محاسبات و برآوردها		۱) عدم حاکمیت منطق (هزینه- فایده)
		۲) مشکل قیمت گذاری سهام واحدها
		۳) تجدید ارزیابی پیچیده
		۴) مشکل قیمت گذاری دارایی‌ها
		۵) پیچیدگی های بسیار بالای فرآیندهای اجرایی و حسابداری
		۶) عدم توانایی در شناسایی هزینه های غیرمستقیم
		۷) مشکلات ارزیابی هزینه - منفعت خصوصی سازی
		۸) عدم حاکمیت منطق هزینه-فایده در شرکت‌های دولتی
۴) استانداردهای حسابداری		۱) رجحان شکل بر محتوی در رعایت مقررات و استانداردها
		۲) ضعف و کلی‌گویی در استانداردهای حسابداری مربوط
		۳) ضعف ضمانت اجرای استانداردهای حسابداری

اگر از منظر مسایل مالی و حسابداری به چالش‌های خصوصی سازی از دید کارشناسان نگاه کنیم، ۵ دسته مسائل درون سازمانی شرکت‌ها، مسائل برون سازمانی شرکت‌ها، مشکلات مربوط به محاسبات و برآوردها، عوامل انگیزشی و عوامل انگیزشی نقش موثری دارند که هر کدام حاوی موارد تفصیلی دیگری هستند. شرکت های دولتی بخاطر ماهیت و اهداف و خط مشی از ساختار مالی مناسب و تخصص بالا و کافی تهیه‌کنندگان اطلاعات برخوردار نیستند که منجر می‌شود به کیفیت پایین اطلاعات مالی و نیاز اساسی به اصلاح و بازنگری صورت‌های مالی و در این بین، مدیران رده بالا دانش مالی کافی برای تشخیص این مسایل را ندارند؛ همچنین سوای از مشکلات اصلاح ساختار شرکت‌ها اغلب شرکت‌های دولتی اندازه و سرمایه‌بری بالایی دارند.

از بعد مشکلات برون سازمانی، دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف وجود ندارد و عدم تقارن اطلاعاتی، فضای رقابت را ناعادلانه می‌نماید؛ همچنین بهای تمام شده ی غیررقابتی، عدم توسعه حاکمیت شرکتی، عدم گسترش سیستم‌های اطلاعاتی در کشور به این فضای ناعادلانه دامن می‌زند. از سوی دیگر، کیفیت پایین دانش دست اندرکاران و مجریان خصوصی سازی به خاطر انتخاب غیرعلمی، ضعف فرهنگ توجه کافی به اطلاعات حسابداری در تصمیم‌گیری، نبود درک اهمیت حسابداری در توسعه اقتصادی که منجر به پدید آمدن دید وقایع‌نگاری نسبت به حسابداری شده و نیز ناهماهنگی اطلاعات تهیه شده در شرکت‌ها با شرایط اقتصادی موجود حرکت خصوصی-سازي را دچار مشکل نموده است. از نظر مسایل مربوط به محاسبات و برآوردها، به دلیل حاکم نبودن منطق (هزینه- فایده) در شرکت‌های دولتی، محاسبات انجام شده در بسیاری از اطلاعات و گزارش‌های مالی کیفیت مطلوبی ندارد و قیمت گذاری سهام واحدها بسیار مشکل است همچنان که پیچیدگی تجدید ارزیابی و مشکل قیمت گذاری دارایی‌ها، پیچیدگی های بسیار بالای فرآیندهای اجرایی و حسابداری در این شرکت‌ها، مشکلات شناسایی هزینه های غیرمستقیم و مشکلات ارزیابی هزینه - منفعت خصوصی سازی، بسیار قابل توجه است.

از منظر مسایل انگیزشی باید اذعان نمود که فرآیند خصوصی‌سازی بدون ترغیب بخش خصوصی و ایجاد انگیزه‌های سودآوری امکان‌پذیر نیست در حالی که به نظر کارشناسان، شرکت‌های واگذارشونده کارایی پایینی نسبت به استانداردهای موجود دارند و از آنجا که متعلق به دولت بوده‌اند، برای اداره‌ی مالیاتی کاملاً شناخته شده هستند و اخذ مالیات از آن‌ها آسان است همچنان‌که از مشوق‌های مالی و سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاران خبری نیست. نرخ سود بالای تسهیلات اعطایی به بخش‌های خدماتی، بی‌توجهی به کارآفرینان بخش خصوصی، عدم حمایت پس از واگذاری و همچنین نامرغوب بودن و بدهی بالای شرکت‌های واگذار شونده، همگی منجر به بی‌انگیزگی بخش خصوصی برای ورود به این عرصه شده است. باید توجه داشت که وجود استانداردهای قوی و مقررات جامع و مانع، در هر زمینه اجرایی موثر است در حالی که متأسفانه استانداردهای حسابداری مربوط و مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی به اندازه کافی قوی نیست و دچار کلی‌گویی است همچنان‌که ضمانت اجرایی بالایی ندارند و رجحان شکل بر محتوی در رعایت مقررات و استانداردها ساری و جاری است.

جدول ۵. طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد عوامل مربوط به عملکرد دولت

مؤلفه	تم	کد
عوامل مربوط به عملکرد دولت	۱) ضعف ساختار دولت	۱) ضعف زیرساخت اجرایی لازم
		۲) ساز و کارهای ناکارآمد آماری و اطلاع‌رسانی
		۳) عدم تفکیک وظایف
		۴) عدم انسجام و هماهنگی در دولت
		۵) نحوه واگذاری سهام
		۶) مشکلات مربوط به سهام عدالت
۲) عوامل محیطی اثرگذار	۱) نبود ثبات مدیریت	
	۲) عدم تمایل دولت برای واگذاری به سرمایه‌گذار خارجی	
۳) کارشکنی و فساد در اجرا	۱) پاسخگو نبودن دولت در مقابل قانون	
	۲) رقابت دولت با بخش خصوصی	
	۳) نبود اراده‌ی لازم دولت	
	۴) پنهان‌کاری و نبود شفافیت	
	۵) مقاومت مدیران دولتی	
۴) عملکرد و ویژگی‌های اشخاص	۱) ضعف دانش و مهارت‌های مدیریتی	
	۲) عدم اجرای دقیق خط‌مشی‌ها	
	۳) کم‌توجهی به بخش تعاون	
	۴) علمی نبودن تصمیمات دولتی	

در این پژوهش آنچه که به عنوان مولفه‌های مدیریتی دیده شد، در واقع عملکرد مدیریتی دولت به عنوان بازوی اجرایی نظام است که از دید کارشناسان در ۴ دسته ضعف ساختار دولت، عوامل محیطی اثرگذار، کارشکنی و فساد در اجرا و عملکرد و ویژگی‌های اشخاص طبقه بندی گردید که در ادامه به اجزای این ۴ دسته پرداخته شده است.

انجام پروژه‌های عظیم همچون خصوصی‌سازی مستلزم وجود زیرساخت اجرایی مناسب است و از آنجاکه نیازمند گزارشگری دقیق و مشارکت همگانی است، باید ساز و کارهای کارآمد آماری و اطلاع رسانی وجود داشته باشد و در اجزای مختلف امر، تفکیک وظایف درست و به دور از تداخل و همپوشانی صورت بگیرد که به زعم کارشناسان، نبود این عوامل و عدم انسجام و هماهنگی در دولت مانع بزرگی بر سر راه خصوصی‌سازی است؛ همچنین نحوه واگذاری سهام شرکت‌ها و ابهامات و مشکلات مربوط به سهام عدالت، پیچیدگی کار را دوچندان نموده است.

یکی از مشکلات کلان در کشور ما نبود ثبات مدیریت است که همواره با تغییر دولت شاهد تغییرات گسترده مدیریت و در نتیجه توقف یا تغییر مسیر پروژه‌های در جریان هستیم؛ باید به عدم تمایل دولت برای واگذاری به سرمایه گذار خارجی، پاسخگو نبودن دولت در مقابل قانون، رقابت دولت با بخش خصوصی، نبود اراده‌ی لازم دولت، پنهان کاری و نبود شفافیت و مقاومت مدیران دولتی نیز به عنوان مصداق‌هایی از کارشکنی و فساد در بدنه‌ی دولت اشاره نمود. متأسفانه نبود ساختار نظام‌مند و به دور از اتکا به ویژگی اشخاص، یکی از نقاط ضعف مخرب در اجرای پروژه‌های کلان و بلندمدت است؛ ضعف دانش و مهارت‌های مدیریتی، عدم اجرای دقیق خط مشی‌ها، کم توجهی به بخش تعاون و علمی نبودن تصمیمات دولتی از نتایج آن می‌باشد.

### کدگذاری محوری

عبارت است از سلسله رویه‌هایی که پس از کدگذاری باز انجام می‌شوند تا با برقراری پیوند بین مقوله‌ها، اطلاعات را به شیوه‌های جدیدی با یکدیگر مرتبط سازد (بازرگان، ۱۳۹۱).

استراوس و کوربین (۱۹۹۸) نیز خاطر نشان می‌کنند، پژوهشگران باید مقوله‌های شناسایی شده را در دسته‌های پنج گانه زیر طبقه بندی کنند. به این مرحله، کدگذاری محوری می‌گویند.

مقوله یا پدیده اصلی (محوری): منظور پدیده اصلی (هسته) مورد مطالعه است و حادثه یا اتفاق اصلی است که یک سلسله کنش‌ها، کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود.

الف) شرایط علی یا سبب ساز: متغیرها یا رویدادهایی است که ایجاد یا توسعه یک پدیده را هدایت می‌کنند.

ب) راهبردها: فعالیت‌های پیامدمحور یا نتیجه محوری هستند که باید در رابطه با پدیده مورد بررسی و در بستر مورد بررسی و با وجود شرایط مداخله گر، انجام شود.

ج) شرایط مداخله گر: شرایطی که انجام راهبردها را با محدودیت روبرو کرده یا تسهیل می‌کند.

د) شرایط بستر: به منطقه خاص یا زمینه متغیرها اشاره دارد. مجموعه شرایطی است که بر راهبردها اثرگذار است. اغلب محققان در تشخیص و جدا کردن این نوع مقوله‌ها از مقوله‌های علی با مشکل مواجه می‌شوند و در نهایت

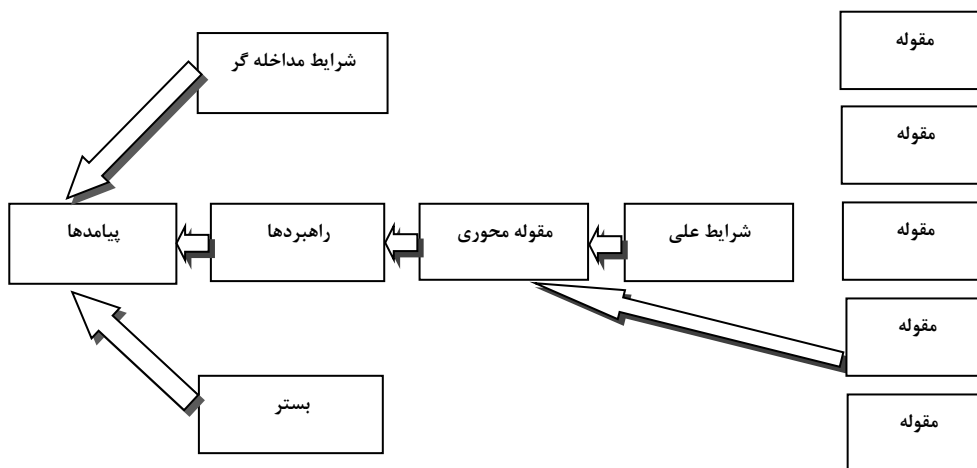
مقوله‌هایی که جذاب‌ترند را به عنوان شرایط علی و مقوله‌هایی که جذابیت کمتری دارند را در قالب شرایط بستر طبقه‌بندی می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰)

ه) پیامدها: نتایج اجرای راهبردها هستند. این طبقه‌بندی در ادامه مقاله در مورد مقوله‌های شناسایی شده صورت گرفته است.

کدگذاری انتخابی. هدف این مرحله، انتخاب مقوله‌های محوری و مرتبط ساختن سایر مقوله‌ها بر محور آن است؛ به این معنا که پژوهشگر با استفاده از کدگذاری انتخابی به صورت منظم و عینی به انتخاب مقوله‌های محوری پرداخته و سایر مقوله‌ها تابع آن قرار می‌گیرند (استراوس، ۱۹۸۷)، سپس پژوهشگر مقوله‌های محوری را با سایر مقوله‌ها به شکل نظام‌مندی مرتبط می‌کند، روابط را اعتبار می‌بخشد و مقوله‌های نیازمند بهبود و تدوین را تکمیل می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). معیارهای زیر را برای انتخاب یک مقوله‌های محوری ضروری می‌دانند.

- این مقوله باید در کانون قرار داشته باشد، یعنی سایر مقوله‌ها به آن مرتبط شوند. (قابلیت تلفیق و ترکیب سایر مقوله‌ها را داشته باشند).
- با فراوانی بالایی در تحلیل ظاهر شده و تکرار شود.
- به اندازه کافی انتزاعی باشد و بتواند تبیین منطقی و سازگاری از رابطه میان مقوله‌ها ارائه دهد.
- با تغییر شرایط تبیین کماکان صادق باشد.

پس از آن که مقوله‌های محوری شناسایی شد، همه مقوله‌های دیگر، مقوله‌های فرعی و توصیف‌گر مقوله‌های محوری می‌شوند. سرانجام از طریق ترسیم پیوند بین مقوله‌های کانونی و مقوله‌های فرعی و مفاهیم مطالعه به صورت یکپارچه، نظریه داده بنیاد تدوین می‌شود (نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۰). در این پژوهش مقوله "خصوصی‌سازی" که تمام مقوله‌ها در رابطه با آن شکل گرفته‌اند و قادر به توضیح آن هستند، به عنوان مقوله‌های محوری انتخاب شده است. بنا بر نظریه کرسول (۲۰۰۵) یک نظریه پرداز زمینه بنیان می‌تواند نظریه خود را به ۳ شیوه ممکن ارائه نماید: به صورت نمودار، به شکل روایت یک داستان، و یا به صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها. از آنجا که موضوع پژوهش حول خصوصی‌سازی است، این موضوع به منزله مقوله‌های محوری منظور و در مرکز مدل قرار گرفت؛ از ۵۲ مفهوم شناسایی شده، ۲۷ قلم در شرایط بستر و ۲۵ مورد شرایط مداخله‌گر تشخیص داده شد و بر اساس آن‌ها ۳۳ قلم به عنوان راهبرد و ۱۵ مورد هم به عنوان پیامدهای اجرای صحیح خصوصی‌سازی درج گردید. شکل شماره ۳ به شرح زیر تبدیل کدگذاری باز به پارادایم کدگذاری محوری را نشان می‌دهد.



مدل یکپارچه چالش‌های مالی و مدیریتی در خصوصی‌سازی در ایران در شکل شماره ۴ به شرح صفحه بعد ارائه شده است:





مدل بدست آمده عوامل علی، شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر و سپس راهبردها و پیامدهای خصوصی‌سازی را از منظر مسایل مالی و مدیریتی که مقوله‌هایی در راستای یکدیگر هستند، نشان می‌دهد.

### ارزیابی کیفیت مدل

#### شناسایی و غربالگری شاخص‌های پژوهش

در گام نخست به غربالگری و شناسایی شاخص‌های نهایی پژوهش پرداخته شد. براساس مصاحبه‌ها و منابع مورد مطالعه، ۲۵ مورد برای موارد حسابداری و ۱۷ مورد برای موارد مدیریتی دولت و در مجموع ۴۲ زیرمعیار (کد) شناسایی شده است. برای غربال شاخص‌ها و شناسایی شاخص‌های نهایی از رویکرد دلفی فازی و برای سنجش اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. اگر چه افراد خبره از شایستگی‌ها و توانایی‌های ذهنی خود برای انجام مقایسات استفاده می‌نمایند، اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند سنتی کمی سازی دیدگاه افراد، امکان انعکاس سبک تفکر انسانی را بطور کامل ندارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (بکارگیری اعداد فازی) به پیش بینی بلند مدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت (کارامن و همکاران، ۲۰۰۹). در این مطالعه نیز برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان پیرامون اهمیت هر یک از شاخص‌ها با طیف فازی ۷ درجه گردآوری شده است.

جدول ۶. طیف هفت درجه فازی برای ارزش‌گذاری شاخص‌ها

متغیر زبانی	مقدار فازی	مقیاس عدد فازی
کاملاً بی اهمیت	$\bar{1}$	(0, 0, 0.1)
خیلی بی اهمیت	$\bar{2}$	(0, 0.1, 0.3)
بی اهمیت	$\bar{3}$	(0.1, 0.3, 0.5)
متوسط	$\bar{4}$	(0.3, 0.5, 0.75)
باهمیت	$\bar{5}$	(0.5, 0.75, 0.9)
خیلی بااهمیت	$\bar{6}$	(0.75, 0.9, 1)
کاملاً با اهمیت	$\bar{7}$	(0.9, 1, 1)

#### راند نخست تکنیک دلفی

دیدگاه ۱۲ کارشناس پیرامون هر یک از ۴۲ شاخص جمع‌آوری و بخشی از آن در جدول شماره ۷ نمایش داده شده است:

جدول ۷. فازی‌سازی دیدگاه پنل خبرگان برای هریک از شاخص‌های تحقیق

	خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷	خبره ۸	خبره ۹	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲
Q01	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.1, 0.3, 0.5)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
Q02	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.3, 0.5, 0.75)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.3, 0.5, 0.75)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)

در گام بعدی باید دیدگاه خبرگان تجمیع شود. برای تجمیع نظرات  $n$  پاسخ‌دهنده، روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است. در واقع این روش‌های تجمیع، روش‌هایی تجربی هستند که توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده‌اند. برای نمونه یک روش مرسوم برای تجمیع مجموعه‌ای از اعداد فازی مثلثی را کمینه ۱ و میانگین هندسی  $m$  و بیشینه  $u$  در نظر گرفته‌اند. فرمول‌های مربوط در قالب روابط ۱، ۲ و ۳ به شرح زیر است.

$$1) F_{AGR} = (\min\{l\}, \prod\{m\}, \max\{u\})$$

$$2) F_{AGR} = \left( \min\{l\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \max\{u\} \right)$$

$$3) F_{AVE} = \left( \left\{ \frac{\sum l}{n} \right\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \left\{ \frac{\sum u}{n} \right\} \right)$$

هر عدد فازی مثلثی حاصل از تجمیع دیدگاه خبرگان برای شاخص  $z$  ام به صورت زیرنمایش داده شده است:

$$\tau_j = (L_j, M_j, U_j)$$

$$L_j = \min(X_{ij})$$

$$M_j = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n X_{ij}}$$

$$U_j = \max(X_{ij})$$

اندیس  $i$  به فرد خبره اشاره دارد. به طوری که

- $X_{ij}$ : مقدار ارزیابی خبره  $i$  ام از معیار  $z$  ام
- $L_j$ : حداقل مقدار ارزیابی‌ها برای معیار  $z$  ام
- $M_j$ : میانگین هندسی مقدار ارزیابی خبرگان از عملکرد معیار  $z$  ام

- $U_j$ : حداکثر مقدار ارزیابی‌ها برای معیار  $Z_j$  (چنگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ سو و همکاران، ۲۰۱۰؛ وو و فانگ، ۲۰۱۱؛ سو و چن، ۲۰۱۱)

در این مطالعه ما از روش میانگین فازی استفاده کرده‌ایم.

### فازی‌زدایی مقادیر

معمولاً می‌توان جمع میانگین اعداد فازی مثلثی و دوزنقه‌ای را توسط یک مقدار قطعی که بهترین میانگین مربوطه است، خلاصه کرد. این عملیات را فازی‌زدایی گویند. روش‌های متعددی برای فازی‌زدایی وجود دارد. در بیشتر موارد برای فازی‌زدایی از روش ساده ذیل به عنوان رابطه ۱ استفاده می‌شود.

$$x_m^1 = \frac{L + M + U}{3}$$

(چنگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ سو و همکاران، ۲۰۱۰؛ وو و فانگ، ۲۰۱۱)

یکی دیگر از روش‌های ساده برای فازی‌زدایی میانگین اعداد فازی مثلثی به صورت زیر در قالب رابطه ۵ ارائه شده است:

$$F_{ave} = (L, M, U)$$

$$x_m^1 = \frac{L+M+U}{3}; x_m^2 = \frac{L+2M+U}{4}; x_m^3 = \frac{L+4M+U}{6}$$

$$\text{Crisp number} = Z^* = \max(x_{max}^1, x_{max}^2, x_{max}^3)$$

مقادیر  $x_{max}^i$  تفاوت چندانی باهم ندارند و همواره عددی نزدیک به  $M$  هستند. منظور از  $M$  میانگین حاصل از جمع مقادیر محتمل  $m$  از اعداد فازی مثلثی مختلف است. با این وجود مقدار قطعی بزرگترین  $x_{max}^i$  محاسبه شده در نظر گرفته می‌شود (بوجادزیف و بوجادزیف، ۲۰۰۷).

در این مطالعه برای فازی‌زدایی از روش مرکز سطح به صورت رابطه ۶ استفاده می‌شود:

$$DF_{ij} = \frac{[(u_{ij} - l_{ij}) + (m_{ij} - l_{ij})]}{3} + l_{ij}$$

(زنگ و تانگ، ۱۹۹۳)

بخشی از میانگین فازی و برون‌داد فازی زدایی شده مقادیر مربوط به شاخص‌ها در جدول شماره ۸ آمده است. مقدار فازی زدایی شده بزرگتر از ۰/۷ مورد قبول است و هر شاخصی که امتیاز کمتر از ۰/۷ داشته باشد رد می‌شود (وو و فانگ، ۲۰۱۱).

جدول ۸. نتایج حاصل از غربال‌گری شاخص‌ها (راند نخست)

نتیجه	مقدار قطعی	میانگین فازی	کران بالا	مقدار محتمل	کران پایین	شاخص‌ها
پذیرش	0.80	(0.93,0.83,0.65)	0.93	0.83	0.65	C01
پذیرش	0.78	(0.93,0.8,0.62)	0.93	0.80	0.62	C02
پذیرش	0.77	(0.91,0.79,0.6)	0.91	0.79	0.6	C39
رد	0.62	(0.77,0.63,0.45)	0.77	0.63	0.45	C41

با توجه به نتایج بدست آمده، غیر از شاخص شماره ۴۱ یعنی کم توجهی به بخش تعاون، همه شاخص‌ها امتیاز بالای ۰/۷ کسب کردند و برای راند دوم استفاده شدند.

### ۵-۱-۲ راند دو تکنیک دلفی

تحلیل دلفی فازی برای شاخص‌ها در راند دوم ادامه پیدا کرد. در این مرحله پس از حذف شاخص شماره ۴۱، مابقی شاخص‌ها براساس دیدگاه ۱۲ خبره مورد ارزیابی قرار گرفت و بخشی از نتایج حاصل از فازی‌زدایی عناصر در راند دوم در جدول شماره ۹ گزارش شده است.

جدول ۹. فازی سازی دیدگاه پنل خبرگان برای هریک از شاخص‌های تحقیق

	خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷	خبره ۸	خبره ۹	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲
Q01	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
Q02	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
Q03	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)

جدول ۱۰. میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند دو)

شاخص‌ها	کران پایین	مقدار محتمل	کران بالا	میانگین فازی	مقدار قطعی	نتیجه راند ۲
Q01	0.78	0.92	0.98	(0.98, 0.92, 0.775)	0.89	پذیرش
Q02	0.70	0.88	0.97	(0.97, 0.88, 0.7)	0.85	پذیرش
Q03	0.75	0.90	0.98	(0.98, 0.9, 0.75)	0.88	پذیرش

### پایان راندهای تکنیک دلفی

در دور دوم هیچ سوالی حذف نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است. بطور کلی یک رویکرد برای پایان دلفی آن است که میانگین امتیازات سوالات راند اول و راند دوم باهم مقایسه شوند. در صورتیکه اختلاف

بین دو مرحله از حد آستانه خیلی کم (۰/۲) کوچکتر باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود (چنگ و لین، ۲۰۰۲؛ نمونه فارسی لطیفی و همکاران، ۱۳۹۷).

جدول ۱۱. فاصله مقدار قطعی راند نخست و راند دو

اختلاف دو راند	مقدار قطعی راند دوم	میانگین فازی راند دوم	مقدار قطعی راند اول	میانگین فازی راند اول	معیارهای تحقیق
۰.۰۸۸	۰.۸۹۲	(0.98,0.92,0.775)	۰.۸۰۳	(0.93,0.83,0.65)	عدم برخورداری شرکت‌ها از ساختار مالی مناسب
۰.۰۶۷	۰.۸۵	(0.97,0.88,0.7)	۰.۷۸۳	(0.93,0.8,0.62)	نیاز به اصلاح صورت‌های مالی
۰.۰۹	۰.۸۵۷	(0.97,0.88,0.72)	۰.۷۶۷	(0.91,0.79,0.6)	ضعف دانش و مهارت‌های مدیریتی
-	-	-	۰.۶۱۷	(0.77,0.63,0.45)	کم توجهی به بخش تعاون

براساس نتایج به دست آمده که بخشی از آن در جدول شماره ۱۱ گزارش شده است، مشخص گردید که در تمامی موارد اختلاف کوچکتر از ۰/۲ است بنابراین می‌توان راندهای دلفی را به پایان برد.

### نتیجه‌گیری

موانع خصوصی‌سازی از دو دریچه قابل بررسی است: ۱- موانع اجرای آن و ۲- موانع اجرای صحیح؛ یعنی موانعی وجود دارد که اساساً جلوی خصوصی‌شدن بخش‌های عمومی را می‌گیرد و مسایل دیگری، آنجا که اراده‌ای برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد، اجرای آن را به بیراهه برده و خصوصی‌سازی را از اهداف آن بشدت دور می‌سازد. آنچه مشخص است خصوصی‌سازی به عنوان یک خط مشی مورد قبول کلیت نظام سیاسی و اقتصادی کشور قرار دارد و عناصر مختلف اجرایی و دست‌اندرکار سعی داشته‌اند تا در دوره‌های مختلف با ارائه قوانین مناسب در بودجه و نیز سایر ارکان مرتبط بتوانند روند اجرایی شدن آن را تسهیل نمایند.

در مورد چالش‌های خصوصی‌سازی در ایران، نقش مدیریت بسیار پررنگ است. برای بی‌ثباتی مدیریت و رفتار دست به عصا و محافظه‌کارانه مدیران در جهت حفظ موقعیت شغلی خود باید چاره‌ای اندیشیده شود. نظارت بر عملکرد مدیران طوری باید اعمال شود که آن‌هایی که از ترس از دست دادن و واگذاری صندلی خود به بخش خصوصی، اجرای قانون خصوصی‌سازی را دچار وقفه می‌نمایند، به راحتی شناسایی شوند تا مقاومت مدیران، مخصوصاً در سطوح میانی، برداشته شود. زیرساخت‌های اجرایی کشور نیازمند بازنگری است و ارکان دولت انسجام لازم را در پیشبرد اهداف و قوانین نشان نمی‌دهد؛ اجرای فرآیند خصوصی‌سازی موضوع مهم و خطیری است که مستلزم تفکیک وظایف، ساز و کارهای گزارشگری اطلاعات و آمارهای درست اجرای دقیق خط مشی‌ها، اتخاذ تصمیمات علمی با استفاده از مدیران ماهر، آگاه و پاسخگو در برابر قانون است که با اراده‌ای محکم و در فضای شفاف و به دور از پنهان کاری است. دولت نباید رقیب بخش خصوصی باشد چرا که با اهرم قدرت می‌تواند رقیب را از بین ببرد.

باید توجه داشت که اگر اجرای قانون، تحت تاثیر جهت‌گیری‌های جناحی و سیاسی قرار گیرد، صدمات جبران‌ناپذیری در اثربخشی و بهره‌وری پروژه‌های بزرگ و بلندمدت نظیر خصوصی‌سازی در پی خواهد داشت و تغییرات اجتناب‌ناپذیر دوره‌ای در دولت، ممکن است کارهای مثبت تیم قبلی را زیرسوال برده و تمام منابع مادی و زمانی صرف شده را نادیده گرفته و با تغییر مسیر، منجر به هدر رفتن وقت و منابع کشور شود.

در حال حاضر شاهد فشارهای همه‌جانبه به دولت، مخصوصاً به علت تحریم‌ها هستیم که نتایج آن در وضعیت معیشت مردم نیز نمایان است. منبع اصلی درآمد بیشتر کشورهای توسعه‌یافته از محل درآمدهای مالیاتی است که این منوط به افزایش درآمدزایی واحدهای تجاری است. با واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی، و کاهش فرصت‌های رانتي و حمایت دولت، شرکت‌ها به شکوفایی و افزایش بهره‌وری سوق پیدا می‌کنند که در نهایت درآمد مالیاتی دولت افزایش می‌یابد. تمرکز قدرت و انحصار تجارت در بخش تولیدی امکان هدررفت منابع اقتصادی را از دو جهت سوءاستفاده از بیت‌المال و عدم بهره‌وری تولید فراهم می‌کند که با خصوصی‌سازی می‌توان به شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران کارآمد و با تثبیت مفاهیم حاکمیت شرکتی به تحقق عدالت اجتماعی امیدوار بود. هرچه حضور دولت در عرصه‌ی تجارت و اعمال تصدی‌گری کم‌رنگ‌تر شود، فرصت‌های رانتي کمتر شده، فضای اقتصاد به سمت آزادی بیشتر سوق داده می‌شود و بستر برای خصوصی‌سازی مناسب‌تر می‌شود. بررسی شواهد نشان می‌دهد واگذاری سهام شرکت‌ها به بیشتر به نهادهای وابسته به قدرت صورت گرفته تا به مردم؛ تا زمانی که بیشتر سهام شرکت‌ها در دست مردم نباشد، نهادهای وابسته، در مجامع تصمیم‌گیرندگان اصلی خواهند بود. مواردی همچون سهام عدالت هم پروژه‌های غیرشفاف بوده که نیازمند بازنگری است و همچنین برای جذب سرمایه، نباید از جذب سرمایه خارجی نیز غافل بود و دولت می‌تواند برای جذب سرمایه‌گذار خارجی نیز اقدام نماید. به نظر می‌آید که بهتر است دولت به جای نقش‌آفرینی مستقیم در عرصه‌ی تجارت و اقتصاد، به بهبود ساختار سازمانی شرکت‌هایی که قصد بر واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی هست، تقویت نهادهای مالی و از بین بردن ضعف‌های بازار بورس اوراق بهادار و از کاهش تبعات منفی خصوصی‌سازی، از جمله بیکاری، پردازد و با مهار تورم و نوسانات نرخ ارز، ثبات و پایداری را به فضای کسب و کار برگرداند.

آنجایی که عزم و اراده بر اجرای خصوصی‌سازی وجود دارد، نقش گزارشگری مالی و حسابداری بسیار پررنگ و بااهمیت است چراکه بدون داشتن اطلاعات مربوط و قابل اتکا، در فضای مبهم و غیر شفاف، امکان بروز تخلف و سوءاستفاده فراهم می‌شود. با این وصف، اهمیت حسابداری و گزارشگری شفاف و بهنگام کمک شایانی به قیمت‌گذاری دارایی‌های واحدهای واگذارشونده و در نتیجه، اجرای درست و سالم خصوصی‌سازی می‌نماید.

باید توجه داشت که در تمام دنیا گزارشگری مالی و حسابداری به عنوان ابزاری ارزشمند در روشننگری فضای تجاری مورد توجه است و تاکید و توجه به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در تمام دنیا موید این امر است در حالی که به نظر کارشناسان، در ایران برای اتخاذ تصمیم‌ها، استفاده از اطلاعات حسابداری هنوز به صورت یک فرهنگ در نیامده و اهمیت حسابداری و گزارش‌های مالی در توسعه اقتصادی مورد درک کافی واقع نشده که در نتیجه آن، آن‌گونه که باید و شاید از ابعاد کاربردی حسابداری استفاده نمی‌شود بلکه مسوولین، حسابداری را بیشتر ابزاری برای وقایع‌نگاری می‌شناسند تا وسیله‌ای برای روشن و شفاف ساختن مسیر و یافتن راه‌کارهای مناسب که دلیل اصلی آن نیز در واقع مشکلات دانش و آگاهی مدیران و مجریان امر خصوصی‌سازی است. مجریان خصوصی‌سازی بهتر

است از مسایل مالی و حسابداری آگاهی مطلوب داشته باشند یا حداقل در تیم اجرایی خود از وجود کارشناسان توانمند حسابداری بهره ببرند. در این خصوص نباید از مساله شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران عامل و مدیران مالی با دانش به روز غافل ماند. یافته‌های پژوهشگران حسابداری در عرصه‌های گوناگون اجرایی و دانشگاهی می‌تواند به کار گرفته شود و تقویت و تثبیت مفاهیمی چون حاکمیت شرکتی که مقالات و پایان‌نامه‌های بیشماری در مورد آن انجام شده و متأسفانه به جای بهره‌برداری کاربردی بیشتر بایگانی می‌شوند و در ویرتین‌ها نگهداری می‌شوند. اگر از ابزارهایی چون حسابرسی مستقل، حسابرسی داخلی و کمیته‌های حسابرسی به درستی استفاده شود و این‌ها در شرکت‌های دولتی واگذارشونده کاملاً از حالت تشریفاتی خارج شوند آنگاه خواهیم دید که کیفیت اطلاعات و گزارش‌های حسابداری که به نظر کارشناسان تا حد زیادی پایین است، تا چه میزان افزایش می‌یابد. اگر تقارن اطلاعاتی برای ذینفعان فراهم شود، تا حد زیادی فرصت‌های رانتی برای تصاحب شرکت‌های مرغوب واگذارشونده از بین می‌رود و این امر منتج به رقابت سالم در واگذاری شرکت‌ها و کسب حداکثر عواید مالی در خزانه بیت‌المال؛ هرچند در این امر نیز وجود تخصص کافی افراد ذیصلاح در ارزشیابی دارایی‌ها و سهام شرکت‌ها به شدت ضروری است. این را هم باید در نظر داشت که به نظر می‌رسد در بحث خصوصی‌سازی، استانداردهای حسابداری مرجعی کامل برای مجریان مالی این امر فراهم نمی‌کند. در مورد میزان دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف نیز به نظر می‌رسد.

کاهش هزینه نمایندگی در شرکت‌ها، افزایش شفافیت در گزارشگری مالی، دسترسی به اطلاعات کامل و باکیفیت، ایجاد تقارن اطلاعاتی، ارتقای نظام کنترل داخلی، ارتقای نظام راهبری شرکتی، شناسایی ریسک‌ها، برطرف شدن نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان، تضعیف اقتصاد زیرزمینی، کاهش فساد اقتصادی و رانت خواری، مدیریت کارآمد، افزایش اثربخشی و کارایی اقتصادی و مالی، افزایش اعتماد عمومی، محافظت از بیت‌المال و تقویت بازارهای مالی و سرمایه‌ای است که حصول این نتایج برای رونق اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار حیاتی است.

با توجه به موارد مذکور می‌توان نسبت به حل موارد مذکور راهبردهای اصلاح ساختار سازمانی شرکت‌ها، اصلاح گزارش‌ها و صورت‌های مالی شرکت‌های واگذار شونده، استقرار کارشناسان مالی خبره و مستقل جهت تجدید ارزیابی دارایی‌ها و ارزیابی سهام شرکت‌ها، توجه کافی به مقوله حاکمیت شرکتی، آموزش عالی تحلیلگران سیستم‌های مالی، آموزش و افزایش شناخت مدیران از امکانات رایانه‌ای، گسترش و تقویت سیستم‌های اطلاعاتی، توجه به تهیه اطلاعات مربوط و قابل اتکا، هماهنگی اطلاعات تهیه شده با شرایط اقتصادی، آماده‌سازی شرکت‌ها برای پذیرش شیوه‌های جدید گردش کار، اصلاح فرآیند واگذاری سهام، نظارت دقیق نهادهای نظارتی، ایجاد ضمانت اجرایی مصوبات و قوانین، بازنگری دوره‌ای دستورالعمل‌ها و قوانین، استقرار حسابرسان داخلی، تقویت کمیته حسابرسی و ایجاد محیط کنترلی قوی را اجرا کرد.

## منابع

- \* اسمعیل زاده مقری، علی؛ فرساد امان الهی، غلامرضا و پناهی، مهدی. (۱۴۰۰)، بررسی موانع مالی و غیرمالی خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در ایران با استفاده از روش فراترکیب (متاسنتر)، مجله مدیریت توسعه و تحول، شماره ۴۴، بهار ۱۴۰۰.

- \* اسکندری، فرداد. رزمجویی، محرم ۱۳۹۸، بررسی تطبیقی خصوصی سازی و توسعه الگوی راهبردی مناسب برای ایران. فصلنامه تحقیقات بازرگانی، شماره ۹۲، پاییز، ص ۲۰۱-۲۳۰.
- \* یعقوبی، محمد. سیفی، وحید. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۴۰۰). استراتژی اساسی خصوصی سازی در ایران. فصلنامه راهبرد اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان، ص ۲۱۵-۲۵۰.
- \* آذر، عادل؛ لشگری، زهرا و امرایی، حافظ. (۱۳۹۰)، عملکرد، چالش‌ها و راهکارهای خصوصی سازی در ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۰.
- \* امرایی، حافظ. (۱۳۸۷)، بررسی مقایسه عملکرد شرکتهای واگذار شده به بخش خصوصی، قبل و بعد از واگذاری در طی سالهای ۸۵-۱۳۸۰، پایان نامه- دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- \* آذر، عادل؛ لشگری، زهرا و امرایی، حافظ. (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی عملکرد شرکتهای واگذار شده به بخش خصوصی طی سالهای ۸۵-۱۳۸۰، تهران، انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- \* رفیعی، محمد مهدی. (۱۳۷۴)، بررسی مقایسه‌ای عملکرد شرکتهای واگذار شده به بخش خصوصی، قبل و بعد از واگذاری در روند خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۲۹-۱۸.
- \* قنبری، علی و هاشم سپانلو، هاشم. (۱۳۸۷)، موانع و مشکلات اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ و وظایف نهادهای نظارتی، مجله‌ی راهبرد، ۱۴.
- \* مهربان فر، احسان. (۱۳۹۵)، آسیب شناسی خط مشی گذاری دولت در عرصه ی خصوصی سازی بر مبنای نظریه ی داده بنیاد، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۸۶.
- \* امیری، مجتبی؛ شهرزاد نیری؛ مرجان صفاری و فاطمه دلبری راغب. (۱۳۹۲)، تبیین و اولویت بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش، مدیریت ورزشی، دوره ۵؛ شماره ۴، ۱۰۶-۸۳.
- \* نصیری، مرتضی. (۱۳۸۲)، پاره‌ای ملاحظات حقوقی پیرامون شرکتهای دولتی، مجلس و پژوهش، نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سال دهم، ویژه‌نامه عدالت و حقوق، شماره ۳۸، صص ۱۷۴-۱۶۳.
- \* همتی، محمد؛ مرضیه اردکانی زاده، و قربانیان فوزیه. (۱۳۹۰)، اولویت بندی موانع خصوصی سازی؛ از طریق فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، تهران، همایش ملی خصوصی سازی.
- \* دانش جعفری، داود و برقی اسکویی، محمد مهدی. (۱۳۸۸)، بررسی اثرات اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ بر متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از رهیافت مدل CGE. پژوهشنامه اقتصادی، ۳ (۳)، ۱۵-۳۸.
- \* نوری، ع، مهرمحمدی، م. (۱۳۹۰). الگویی برای بهره گیری از روش نظریه بر خاسته از داده ها در پژوهش‌های تربیتی. مطالعات برنامه‌درسی، ۶ (۲۳)، ۳۵-۸.

- \* Alipour, M. (2013), "Has privatization of state-owned enterprises in Iran led to improved performance?", *International Journal of Commerce and Management*, Vol. 23 No. 4, pp. 281-305. <https://doi.org/10.1108/IJCoMA-03-2012-0019>



- \* Sriyono, E. (2019), Privatization in Water Resources Management: The Case of Indonesia. Journal of Physics. To cite this article: Edy Sriyono 2019 J. Phys.: Conf. Ser. 1175 012023
- \* Journal Article: Kim,P.S., &Kim,K. (2001). Appraising the new institutional arrangements for privatization of Korean state-owned enterprises,International Journal of public admin.24(5), 423-446.
- \* Caroline Enright, Someone to Lien on: Privatization of Delinquent Property Tax Liens and Tax Sale Surplus in Massachusetts, 61 B.C.L. Rev. 667 (2020),
- \* Carnoy, M. & Marachi, R. (2020). Investing for “Impact” or Investing for Profit? Boulder, CO: National Education Policy Center. Retrieved [date] from <http://nepc.colorado.edu/publication/social-impact-bonds>
- \* Estrin.s and Pelletier,A.(2018). Privatization in Developing Countries: What Are the Lessons of Recent Experience? TheWorld Bank Research Observer, vol. 33, no 1. <https://academic.oup.com/wbro/article-abstract/33/1/65/4951686> by guest on 02 August 2020
- \* Cheng, C. H., & Lin, Y. (2002). Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation. European journal of operational research, 142(1), 174-186.
- \* Cheng, Jao-Hong; Chih-Ming Lee; Chih-Huei Tang. (2009), An Application of Fuzzy Delphi and Fuzzy AHP on Evaluating Wafer Supplier in Semiconductor Industry, wseas transactions on information science and applications, Vol 6, PP 756-767.
- \* Hsu, Yu-Lung; Cheng-Haw Lee, V.B. Kreng. (2010), The application of Fuzzy Delphi Method and Fuzzy AHP in lubricant regenerative technology selection, Expert Systems with Applications, Vol. 37, PP. 419-425.
- \* Hsu, P. F., & Chen, B. Y. (2007). Developing and implementing a selection model for bedding chain retail store franchisee using Delphi and fuzzy AHP. Quality & Quantity, 41(2), 275-290.
- \* Strauss, A. & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques andProcedures For Developing Grounded Theory (2 Nd Ed.). Sage Publications, Thousand Oaks, CA, USA.
- \* Tzeng, G.-H., Teng, J.-Y.(1993) Transportation investment project selection with fuzzy multiobjectives. Transp.Plann. Technol. 17(2), 91-112 .

## **A New Approach to the Financial and Managerial Angles of Privatization Challenges in Iran Using Foundation Data Theory (Grounded Theory)**

**Mehdi Panahi**

Department of Accounting , Central Tehran Branch , Islamic Azad University , Tehran , Iran  
Mehdi.panahi1359@gmail.com

**Ali Esamailzadeh mogry**

Department of Accounting , Central Tehran Branch , Islamic Azad University , Tehran , Iran  
(Corresponding Author)  
Alies35091@gmail.com

**Farzaneh Heidarpoor**

Department of Accounting , Central Tehran Branch , Islamic Azad University , Tehran , Iran  
fheidarpoor@yahoo.com

**Amirreza Keyghobadi**

Department of Accounting , Central Tehran Branch , Islamic Azad University , Tehran , Iran  
a.keyghobadi@iauctb.ac.ir

### **Abstract**

Privatization is an issue that is the concern of many officials and researchers due to its importance and lack of proper implementation in the country, and a study of its various dimensions, including financial and managerial components, can clarify other aspects of it. The purpose of this study is to model the role of financial and managerial categories in a data-driven (data-based) method - an inductive and exploratory research method - in privatization. This research was conducted by in-depth study of existing sources and articles in the field of privatization and conducting interviews with experts. The results show that the role of macro-level management factors and financial components in privatization is very fundamental. According to the research, the main financial and managerial factors affecting the implementation of privatization are: 1. Management components including the weakness of government structure, environmental factors affecting, sabotage and corruption in the implementation and performance and characteristics of individuals and 2. Components → Financial and accounting issues including internal and external issues of state-owned companies, problems in calculations and estimates, incentives and existing regulations and standards. Bed conditions, intervention conditions, guidelines and consequences were presented as an integrated model and finally the obtained model was approved using Delphi method.

**Keywords:** Privatization, Article 44 of the Constitution, Data Foundation, Grounded Theory